

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درآمدی بر حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی
در سیاست‌گذاری و حقوق بین‌الملل

درآمدی بر حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی
در سیاست‌گذاری و حقوق بین‌الملل

دکتر ژانت بلیک

۱۳۹۵

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
مقدمه	یازده
فصل اول: حقوق فرهنگی	۱
۱. «طبقه فراموش شده» حقوق فرهنگی	۲
۲. برخی مباحث مهم نظری: «ارکان» یا «نسل‌های» حقوق بشر	۴
۱.۲. ماهیت حق‌ها در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	۶
۲.۲. «فرهنگ» در حقوق فرهنگی	۱۳
۳.۲. استانداردهای جهانی در برابر نسبیت‌گرایی فرهنگی	۱۵
۴.۲. حق بر هویت فرهنگی در بردارنده چه اجزایی است؟	۲۲
۵.۲. مطالباتی برای حقوق فرهنگی جمعی	۲۴
۳. دامنه و محتوای حقوق فرهنگی	۲۷
۱.۳. چگونگی توصیف حقوق فرهنگی	۲۸
۲.۳. جایگاه اعلام حقوق فرهنگی	۲۹
۳.۳. تدوین حقوق فرهنگی	۳۴
فصل دوم: تنوع فرهنگی	۴۷
۱. معرفی تنوع فرهنگی	۴۹
۲. تنوع زیستی، نسبیت‌گرایی و حقوق میراث فرهنگی- شرح یک نمونه	۵۶
۱.۲. میراث جهانی فرهنگی	۵۷
۲.۲. تنوع جلوه‌های فرهنگی	۵۸
۳.۲. حراست از میراث ناملموس (یونسکو ۲۰۰۳)	۶۱
۳. تنوع فرهنگی در خدمات بهداشتی و درمانی- مثالی گویا	۶۳
۴. حوزه‌های تنوع فرهنگی	۶۶
۱.۴. تنوع فرهنگی و هویت فرهنگی	۶۷
۲.۴. تنوع فرهنگی و زبان‌ها	۶۷
۳.۴. تنوع فرهنگی و تبادلات بین فرهنگی	۶۸

۷۰	۴.۴. تنوع فرهنگی و ارزش‌های جهان‌شمول
۷۰	۵.۴. تنوع فرهنگی، کثرت‌گرایی و ارزش‌های دموکراتیک
۷۱	۶.۴. تنوع فرهنگی و میراث فرهنگی
۷۲	۷.۴. تنوع فرهنگی، جهانی‌سازی و تنوع جلوه‌های فرهنگی
۷۳	۸.۴. تنوع فرهنگی و نقش رسانه‌ها
۷۳	۹.۴. تنوع فرهنگی و توسعه پایدار
۷۴	۱۰.۴. تنوع فرهنگی و تنوع زیستی
۷۷	فصل سوم: فرهنگ، توسعه و تنوع – چارچوبی وسیع‌تر
۷۷	مقدمه
۸۰	۱. تحول این مفهوم از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰
۸۵	۲. اواخر دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ - دوره تحول مهم
۸۹	۳. مفهوم‌سازی نقش فرهنگ در توسعه
۹۸	۱.۳. حقوق بشر، توسعه انسانی و فرهنگ
۱۰۴	۲.۳. تنوع فرهنگی و توسعه
۱۰۷	۱. اسناد سیاستی و زمینه‌ای
۱۰۷	اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران (۱۹۶۸)
۱۰۸	اعلامیه الجزایر درباره حقوق مردمان (۱۹۷۶)
۱۰۹	اعلامیه تدابیر فرهنگی مکزیکوسیتی (کنفرانس جهانی تدابیر فرهنگی) (۱۹۸۶)
۱۱۵	اصول لیمبرگ در اجرای میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۸۷)
۱۲۰	دستورالعمل سیاست‌های فرهنگی برای توسعه (۱۹۹۸)
۱۲۷	اعلامیه فرایبورگ درباره حقوق فرهنگی (۲۰۰۷)
۱۳۳	اعلامیه و برنامه عمل تهران در خصوص تنوع فرهنگی (۲۰۰۷)
۱۳۹	۲. تفسیرهای عمومی
۱۳۹	تفسیر عمومی شماره ۲۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درباره حق مشارکت در حیات فرهنگی (۲۰۰۹)
۱۴۷	۳. اسناد جهانی حقوق بشر
۱۴۷	اساسنامه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (۱۹۴۵)
۱۵۰	اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)
۱۵۱	کنوانسیون مقابله با تبعیض در آموزش (۱۹۶۰)

- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) ۱۵۵
- میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی (۱۹۶۶) ۱۵۷
- کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵) ۱۶۰
- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) ۱۶۲
- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) ۱۶۴
- اعلامیه و برنامه عمل وین (۱۹۹۳) ۱۶۷
- اعلامیه اصول مدارا (۱۹۹۵) ۱۷۱
- اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی (یونسکو، ۲۰۰۱) ۱۷۴
- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶) ۱۸۱
- ۴. اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های مرتبط با حقوق فرهنگی** ۱۹۳
- اعلامیه اصول همکاری بین‌المللی (۱۹۶۶) ۱۹۳
- توصیه‌نامه ارائه مؤثرترین راهکارها جهت دسترسی همگان به موزه‌ها (۱۹۶۰) ۱۹۶
- توصیه‌نامه در خصوص جایگاه محققان علمی (۱۹۷۴) ۲۰۰
- توصیه‌نامه در خصوص آموزش جهت تفاهم، همکاری و صلح بین‌المللی و آموزش مرتبط با حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۷۴) ۲۰۷
- توصیه‌نامه در خصوص مشارکت مردم در سطح وسیع در حیات فرهنگی و سهم آن‌ها در آن (۱۹۷۶) ۲۱۲
- توصیه‌نامه پیرامون توسعه آموزش بزرگسالان (۱۹۷۶) ۲۱۸
- منشور بین‌المللی تربیت بدنی و ورزش (۱۹۷۸) ۲۲۴
- اعلامیه نژاد و تعصب نژادی (۱۹۷۸) ۲۲۸
- توصیه‌نامه در خصوص جایگاه هنرمندان (۱۹۸۰) ۲۲۹
- اعلامیه حذف کلیه اشکال عدم مدارا و تبعیض بر مبنای دین یا عقیده (۱۹۸۱) ۲۴۱
- توصیه‌نامه در خصوص ترویج و کاربرد چندزبانگی و دسترسی جهانی به فضای مجازی (۲۰۰۳) ۲۴۲
- ۵. مردمان بومی و اقلیت‌ها** ۲۴۹
- کنوانسیون حمایت از مردمان بومی و قبیله‌ای (۱۹۸۹) ۲۴۹
- اعلامیه در خصوص حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۹۹۲) ۲۵۴
- اعلامیه سازمان ملل متحد در خصوص حقوق مردمان بومی (۲۰۰۷) ۲۵۷

۶. اسناد منطقه‌ای حقوق بشر ۲۶۵
- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، با اصلاحات انجام‌شده طی پروتکل‌های شماره ۱۱ و ۱۴ (۱۹۵۰، رم) ۲۶۵
- کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) ۲۷۰
- پروتکل الحاقی به کنوانسیون امریکایی حقوق بشر در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۸۸) ۲۷۳
- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان (۱۹۸۱) ۲۷۶
- اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره، ۱۹۹۰) ۲۸۰
- اتحادیه کشورهای عرب، منشور حقوق بشر (۲۰۰۴) ۲۸۴
- منشور اروپایی زبان‌های محلی یا زبان‌های متعلق به اقلیت (استراسبورگ، ۱۹۹۲) ۲۸۷
- منشور اتحادیه ملت‌های جنوب شرق آسیا (ASEAN) (۲۰۰۷) ۳۰۱
- منشور سازمان کنفرانس اسلامی (داکار، سنگال، ۱۴ مارس ۲۰۰۸) ۳۰۲
۷. حمایت از میراث فرهنگی ۳۰۵
- کنوانسیون لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمه مسلحانه و آیین‌نامه اجرایی آن (۱۹۴۵) ۳۰۵
- کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممنوع‌کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی (۱۹۷۰) ۳۰۷
- کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (۱۹۷۲) ۳۱۳
- اعلامیه بزرگداشت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (شورای بین‌المللی یادمان‌ها و محوطه‌های تاریخی (ICOMOS)، (۱۹۹۸) ۳۱۵
- کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب (۲۰۰۱) ۳۱۶
- کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس (۲۰۰۳) ۳۲۰
- اعلامیه یونسکو پیرامون تخریب عمدی میراث فرهنگی (۲۰۰۳) ۳۲۵
- کنوانسیون ترویج و حمایت از تنوع جلوه‌های فرهنگی (۲۰۰۵) ۳۲۸
- کتابنامه ۳۳۹
- نمایه ۳۵۵

پیشگفتار

دلیل نگارش چنین کتابی مهم‌بودن حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی، به‌ویژه برای کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران است که منابع بسیار غنی فرهنگی دارد، هر دو این‌ها نشانه‌های بسیار مهمی از حقوق بشرند. امروزه مطالبات فزاینده‌ای برای ترویج حقوق فرهنگی و حمایت بیشتر از چنین حقوقی، به‌مثابه بخش تفکیک‌ناپذیری از حق‌های بشری، رواج یافته است؛ به‌ویژه اینکه، فرهنگ — همان‌گونه که از اواسط دهه ۱۹۹۰ به آن پی بردند — نقشی بنیادین در روند توسعه دارد. در حقیقت، تضمین حقوق فرهنگی برای دستیابی به توسعه کامل انسانی ضروری است. مشابه چنین کتابی درباره حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی، به هر زبانی، فراوان نیست؛ از سوی دیگر، این حوزه از حقوق بشر، هم از سوی صاحبان حق و هم از سوی دولت‌ها چندان شناخته‌شده نیست و به آن کمتر پرداخته شده و به‌اندازه کافی اجرای آن مطلوب نبوده است. هدف این کتاب، کمک به شکل‌گیری درک صحیح و بهتری از این حوزه بسیار مهم حقوق بشری در ایران است.

این کتاب سه فصل اصلی را دربر می‌گیرد: فصل اول به معرفی حقوق فرهنگی، تحلیل دامنه و محتوای آن و بررسی مسائل مهم نظری اختصاص یافته است؛ فصل دوم، ایده تنوع فرهنگی را از منظر حقوق بشر شرح می‌دهد و روابط میان حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی را دربر می‌گیرد؛ و فصل سوم درباره مفهوم‌سازی نقش فرهنگ در توسعه و دگرگونی درک ما از این رابطه است.

در فصل اول، به حقوق فرهنگی، به‌عنوان «طبقه فراموش‌شده حقوق» می‌پردازیم و در ابتدا، با طرح دلیل‌های نادیده‌انگاری این حوزه از حقوق بشر، برخی چالش‌های نظری و مهم ناشی از حقوق فرهنگی در زمینه حقوق بشر را بررسی می‌کنیم؛ ازجمله اینکه: چه مفهومی از «فرهنگ» را درباره حقوق «فرهنگی» به‌کار می‌بریم و چگونه می‌توانیم ناسازگاری آشکار میان حمایت از گونه‌های فرهنگی خاص و جهان‌شمولی استانداردهای حقوق بشر را برطرف کنیم. افزون بر این، محتوا و دامنه این حقوق بر مبنای مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در این فصل تشریح شده است. این بخش مسائل مهمی شامل گستره احتمالی حقوقی را — که می‌توان حقوق فرهنگی نامید — و ویژگی‌های آن‌ها را به‌عنوان حقوق بشر بررسی می‌کند.

در فصل دوم موضوع تنوع فرهنگی و رابطه مهم میان حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی را معرفی می‌کنیم. برای درک بهتر این مفهوم پیچیده، ده مورد از حوزه‌های بالقوه تنوع فرهنگی بررسی شده‌اند؛ حوزه‌هایی مانند هویت فرهنگی، زبان، تنوع زیستی، تبادلات بین فرهنگی، رسانه‌ها و... در این فصل، با توجه ویژه به رویکرد فرهنگ‌گرایی چندگانه و حوزه حقوق میراث فرهنگی، چگونگی مواجهه حقوق بین‌الملل با تنوع فرهنگی بررسی و نیز به‌طور موردی به موضوع تنوع فرهنگی در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی پرداخته شده است.

فصل سوم رابطه مهم فرهنگ و توسعه و نیاز به شناسایی نقش اساسی فرهنگ در توسعه و سیر تحول این اندیشه در دو دوره عمده — از دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۸۰ و از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ — را بررسی می‌کند. این فصل همچنین در پی ارائه شناختی مفهومی و روشن از نقش و تأثیر فرهنگ در توسعه است، به‌ویژه، چگونگی ارتباط موجود میان توسعه انسانی با فرهنگ و رابطه میان تنوع فرهنگی و توسعه.

در پایان لازم می‌دانم از مسئولان کرسی یونسکو و مرکز حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، برای حمایت آنان در فراهم‌آوری مقدمات طرح پژوهشی که مبنای این کتاب بوده است، و معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه برای حمایت‌های مالی در مسیر انجام طرح، مراتب قدردانی خود را ابراز نمایم. همچنین از سرکار خانم اصلی عباسی، دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، برای کمک ارزنده ایشان در ویرایش این کتاب سپاسگزارم.

ژانت بلیک

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تابستان ۱۳۹۵

مقدمه

این مجموعه از معاهدات و سایر اسناد مرتبط با حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی، با باور به اهمیت حقوق فرهنگی به‌عنوان جنبه‌ای از مقررات حقوق بشری که ضرورت دارد دولت، متخصصان فرهنگی و دارندگان این حقوق شناخت بیشتری از آن داشته باشند، فراهم شده است. در سال‌های اخیر، گرایش روزافزونی به تلقی فرهنگ به‌عنوان امری فراتر از محصولی صرف شکل گرفته است؛ بنابراین، حقوق فرهنگی، پیرامون امری فراتر از صرف حق بر استفاده یا بهره‌بردن از چنین محصولی است. در نتیجه، مفهوم حقوق فرهنگی، از صرف در دسترس قراردادن فرهنگ ملی برای همه شهروندان، آن‌گونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) ذکر شده، فراتر رفته است و عناصر غیرمادی و مفهوم مشارکت فعال در فرایند تصمیم‌گیری و قابلیت شرکت فعالانه در شکل‌گیری فرهنگ را نیز دربر می‌گیرد. در نتیجه، نیاز روزافزونی برای ترویج و حمایت بیشتر از حق‌های فرهنگی به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از حق‌های بشری شکل گرفت. استدلال قوی‌تر دیگر پیرامون این امر، به نقش سازنده فرهنگ در فرایند توسعه مرتبط است که از اواسط دهه ۱۹۹۰، به‌طور روزافزونی مورد توجه قرار گرفت. تضمین حقوق فرهنگی برای دستیابی به توسعه انسانی کامل ضرورت دارد. در صورتی که ما این مفهوم را به‌عنوان توانمندکننده مردم برای زندگی به‌شیوه‌ای که می‌پسندند، درک نماییم، خواهیم دید که اعطای آزادی‌های ضروری به مردم برای توسعه فرهنگی خود، اهمیت بسزایی در آن دارد. همچنان که فریدا شهید (۲۰۱۱) بیان می‌دارد^۱:

«از بسیاری جهات، حقوق فرهنگی در شناسایی و محترم‌شماری کرامت بشری مؤثر هستند؛ زیرا آن‌ها از توسعه و ابراز دیدگاه‌های جهانی متفاوت – فردی و جمعی – حمایت می‌کنند و دربردارنده آزادی‌های بنیادین و مرتبط با مسائل هویتی هستند. در صورتی که حقوق فرهنگی، به‌عنوان بخشی از نظام گسترده‌تر حقوق بشر و در نتیجه، ریشه‌گرفته از هنجارها و اصول نظام بین‌المللی حقوق بشر تلقی گردد، آن‌ها می‌توانند با توجه به تنوع فرهنگی، امکان درکی غنی‌تر از اصل جهان‌شمولی حقوق بشر را فراهم سازند.»

1. Human Rights Council (2011) *Report of the independent expert in the field of cultural rights* (Farida Shaheed) submitted pursuant to resolution 10/23 of the Human Rights Council, adopted at the 14th session of the Human Rights Council, 22 March 2010 [Doc. A/HRC/14/36].

تألیفاتی مرتبط با این موضوع (که چندان هم وسیع نیست)، گویای آن است که این حوزه از حقوق بشر — به عبارت دیگر، حقوق فرهنگی و مفهوم مرتبط با آن، تنوع فرهنگی — مفهوم‌سازی نشده است؛ درعین حال، از سوی دولت و همچنین دارندگان این حقوق، به‌خوبی شناخته نشده و به‌میزان کافی نیز، محقق نشده است. تلاش زیادی لازم است تا محتوا و دامنه این حقوق، ارتباط آن با سایر حق‌های بشری و همچنین، حوزه‌ای که در آن واجد اهمیت هستند، به‌نحو بهتری، تشریح شود. به‌همین دلیل، هدف از نگارش این کتاب، بررسی رویکردهای نظری است که به شناخت بیشتر حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی، شناسایی حقوقی که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان حقوق فرهنگی و حق‌های مرتبط با تنوع فرهنگی طبقه‌بندی نمود، و معرفی منابع آن‌ها در اسناد (به‌بیان دیگر، معاهدات و سایر اسنادها) منجر می‌گردد.

دلایل متعددی دال بر پیچیدگی شناسایی و تعریف حقوق فرهنگی وجود دارد که در این فصل مقدماتی به آن‌ها پرداخته خواهد شد. در این پروژه، پیرامون مهم‌ترین مسائل نظری که قلمروی حقوق فرهنگی و حقوق مرتبط با تنوع فرهنگی را دچار اختلال ساخته، بحث خواهیم کرد. این تحلیل، توأم با معرفی مجموعه‌ای از معاهدات و سایر متونی که در آن، حقوق مذکور اعلام شده‌اند، به شناسایی و شفاف‌سازی این حقوق مهم کمک شایانی خواهد نمود، درعین حال، به سیاست‌گذاران، دارندگان حقوق و نیز سایر افراد ذی‌نفع (مانند متخصصان فرهنگی) یاری خواهد کرد تا این مجموعه پیچیده حقوق بشری را بهتر درک کنند.

فصل اول: حقوق فرهنگی

مطالبات حقوق فرهنگی در محور کرامت کلیه افراد بشری و در نتیجه، در مرکز تمامی حق‌های بشری قرار دارد، همچنان‌که داندرز، به‌صراحت، بیان می‌دارد:

«در سرتاسر جهان، مردمان، اجتماعات، گروه‌ها و افراد به‌منظور حفظ و حمایت از هویت فرهنگی خود، که به‌دلیل تلقی آن به‌عنوان بخش مهمی از کرامت انسانی خود، برای آن ارزشی بالایی قائل هستند، تلاش و مبارزه می‌کنند... به‌منظور حفظ و توسعه هویت‌های فرهنگی، نیاز روزافزونی در جهت ترویج و حمایت بیشتر از حقوق فرهنگی، به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر حقوق بشر، به‌وجود آمده است»^۱.

باین‌حال، وی، در ادامه، خاطرنشان می‌سازد که «این حقوق، از لحاظ محتوا و دامنه، چندان بسط نیافته‌اند و غالباً، از جنبه اجرایی نیز، مورد غفلت واقع شده‌اند». در حقیقت، شناسایی حقوق فرهنگی و توانایی تعیین صریح دامنه و محتوای آن، موضوع ساده‌ای نیست؛ به‌ویژه به‌این‌دلیل که «موضوعات فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی و حقوق فرهنگی، اغلب، پیچیده و غالباً، از منظر سیاسی، حساس و درعین‌حال، اموری جدال‌برانگیز هستند»^۲. از لحاظ حقوقی، آن‌ها، از طبقه حقوق توسعه‌نیافته هستند.^۳ به‌علاوه، زمانی که از حقوق فرهنگی سخن به‌میان می‌آید، سؤالات ژرف‌تری درباره جهان‌شمولی حقوق بشر مطرح می‌شود. آیا اتخاذ رویکردی حق‌محور نسبت به فرهنگ، که به‌نحو برابر، برای همگان در تمامی جوامع، اعمال‌پذیر باشد، امکان‌پذیر است؟

1. Y. Donders (2007) 'The legal framework of the right to take part in cultural life,' in Y. Donders and V. Volodin (eds.) *Human Rights in Education, Science and Culture - Legal developments and Challenges* (UNESCO Publishing, Paris) pp.231-272 at p. 231.

2. S.A. Hansen (2002) 'The right to take part in cultural life: toward defining minimum core obligations related to Article 15(1)(a) of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights,' in A.R. Chapman and S. Russell (eds.) *Core Obligations: Building a Framework for Economic, Social and Cultural Rights* (Intersentia, Antwerp) pp. 282-283.

3. J. Symonides (2000) 'Cultural rights,' in J Symonides (ed.) *Human Rights, Concept and Standards* (UNESCO, Paris) pp.175-227 at p.175; and Hansen *op.cit.* n.2 at 281.